

## ● از میدان آزادی به میدان انقلاب

یکی از مکان‌ها، میدان آزادی است. میدان آزادی بزرگ‌ترین میدان تهران، پیش از انقلاب به نام «شهید» شناخته می‌شد. این میدان به همراه برج آزادی در سال ۱۳۴۹ برای یادبود جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و به دستور محمدرضا پهلوی و توسط «حسین امانت» طراحی و ساخته شد و پس از انقلاب در سال ۵۷ به نام «میدان آزادی» تغییر یافت.

رفیق دوست در خاطراتش عنوان می‌کند برای رسیدن به بهشت‌زهر (س) باید مسیری ۳۴ کیلومتری را از میان خیل جمعیت طی می‌کرد و در این مسیر از خیابان آزادی عبور کرده است. خیابان آزادی در زمان مسئولیت حبیب‌الله خان نراقی (نیرسینا) در بلدیة ساخته شد. نظارت بر سنگفرش و ایجاد نهر آب و کاشت درختان چنار خیابان ولیعصر (مصدق - پهلوی) از میدان راه آهن تا میدان تجریش به طول ۱۸ کیلومتر از جمله اقدامات نیرسیناست. احداث خیابانی (آزادی فعلی) که بعداً نام سی و چهارمین رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا دوايت دیوید آیزنهاور (۱۹۶۹-۱۸۹۰) روی آن نهاده شد هم از جمله اقدامات او است. این خیابان در تابستان سال ۱۳۳۹ آسفالت شد و از حالت خاکی درآمد...

به خودرو حامل امام خمینی (ره) بازگردیم. رفیق دوست در ادامه چنین شرح داده است: «از بعضی جاها که رد می‌شدیم، امام (ره) اسم مکان‌ها را می‌پرسیدند. مثلاً وقتی به میدان انقلاب رسیدیم، پرسیدند: «اینجا کجاست؟» گفتیم: «اینجا قبلاً میدان ۲۴ اسفند بوده، حالا مردم اسم آن را میدان انقلاب گذاشته‌اند».

۲۴ اسفند روز تولد رضاشاه بود و به همین مناسبت در میانه این میدان تندیس از او بر پا شده بود. از این رو این میدان را «مجسمه» هم می‌خواندند. اما در کوران انقلاب اسلامی، مردم مجسمه رضاشاه را پایین کشیدند و نام میدان را به «انقلاب» تغییر دادند.

رفیق دوست همچنین شرح داده است: «آرام آرام به روبه‌روی دانشگاه تهران رسیدیم. امام (ره) پرسیدند: «اینجا دانشگاه است؟ ما باید داخل دانشگاه برویم و پایان تحصن علما را اعلام کنیم». که با توجه به حجم جمعیت و عدم امنیت با اصرار رفیق دوست این اقدام صورت نمی‌گیرد.

در مورد تاریخچه دانشگاه تهران به همین اکتفا کنیم که پیشنهاد اولیه ساخت دانشگاه تهران را «اسماعیل سنگ» در سال ۱۳۰۵ داد و پس از انجام مطالعات اولیه آن توسط «عیسی صدیق»، در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد. پردیس و بناهای این دانشگاه را معماران اروپایی رولان دوبرول، ماکسیم سیرو، مارکوف، الکساندر موزر، آندره گدار و محسن فروغی طراحی کردند.

## ● این مردم با من کار دارند

رفیق دوست در خاطراتش یاد آور شده که در جلو دانشگاه جمعیت به حدی بود که ماشین با فشار مردم به چپ و راست می‌رفت. در یک آن که ماشین از دست مردم خارج شد، او پدال گاز را گرفته و به خیابان ولی عصر می‌پیچید. نزدیک میدان منیریه، او از جوانی سخن می‌گوید که دستگیره در طرف امام (ره) را گرفته... و این که در خیابان آرامگاه (شهید رجایی فعلی) که آن زمان خانه‌های گلی در اطرافش پیدا بود، امام (ره) رو به سید احمد آقا کردند و گفتند: «ببین احمد، من با این مردم کار دارم و این مردم با من کار دارند».

خیابان ولی عصر با ۱۸ هزار اصله درخت کاشته شده که بلندترین خیابان خاورمیانه است و طول آن ۱۸ کیلومتر از میدان راه آهن تا میدان تجریش است. خیابانی که ساخته شد تا دو کاخ مرمر در تهران و کاخ سعد آباد در شمیران به یکدیگر متصل شود. پس از پیروزی انقلاب ابتدا به «خیابان مصدق» و دو سال و نیم بعد به «خیابان ولی عصر» تغییر نام یافت.

با تغییر مسیر رفیق دوست، ماشین‌های اسکورت کمیتة استقبال که با فاصله زیادی حرکت می‌کردند و از ماشین امام (ره) دور افتاده بودند، بلیزر را گم می‌کنند. «اکبر براتی» که در یکی از ماشین‌های اسکورت امام (ره) بود، در این باره گفته: «از میدان انقلاب تا ورود ماشین به بهشت‌زهر (س)، ما هیچ اطلاعی از ماشین بلیزر، حامل امام (ره) نداشتیم».

به این ترتیب ماشین حامل امام (ره) از طریق خیابان امیریه وارد خیابان ولی عصر (عج) شده و سپس از میدان راه آهن به خیابان شهید رجایی فعلی رسید و از این طریق راهی بهشت‌زهر (س) می‌شود. خودرو از میدان منیریه هم عبور کرده است. منیریه یکی از مناطق اعیان‌نشین در زمان قاجار و در مجاورت حصار شاه تهماسب بود. چون ناصرالدین شاه به منیر السلطنه و پسرش کامران میرزا فرزند سوم ناصرالدین شاه علاقه ویژه داشت در منیریه عمارتی ساخت و تمامی زمین‌های این منطقه را به منیر السلطنه بخشید. بعدها با احداث خیابان ولیعصر و خیابان کارگر، منیریه به محله‌ای بسیار پررفت و آمد در تهران تبدیل شد.

## ● قطعه ۱۷ بهشت‌زهر (س)

اما قطعه ۱۷ بهشت‌زهر (س) ماندگارترین قطعه در تاریخ انقلاب است. در نزدیکی این قطعه خودرو حامل امام (ره) از کار می‌افتد و عده‌ای از جوانان ماشین را بلند کرده و نزدیک هلیکوپتر بر زمین می‌گذارند. به این ترتیب بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، سوار بر هلیکوپتر به بهشت‌زهر (س) می‌رسند و بر مزار شهدای ۱۷ شهریور برای

**در خیابان  
آرامگاه (شهید رجایی  
فعلی) که آن زمان  
خانه‌های گلی در  
اطرافش پیدا بود،  
امام (ره) رو به سید  
احمد آقا کردند و  
گفتند: «ببین احمد،  
من با این مردم کار  
دارم و این مردم با من  
کار دارند.»**

